

Imam Musa al-Sadr's Models for Rapprochement in Establishing Peaceful Coexistence Between Muslims and Christians

Javad Vafaei Moghan¹

(Received on: 2025-02-03; Accepted on: 2025-08-20)

Abstract

Rapprochement [or approximation] (*taqrīb*) and peaceful coexistence between Christians and Muslims, as one of the historical and religious concerns, has always been emphasized by religious teachings and the efforts of religious scholars. Imam Musa al-Sadr [Mūsā al-Ṣadr], as one of the prominent figures in the field of interfaith rapprochement, particularly in the interaction between Muslims and Christians, provided a successful model in this area based on deep Islamic foundations and religious frameworks. From his perspective, interfaith rapprochement not only requires extensive scholarly and practical efforts but must also be based on a correct understanding of religious foundations and respect for the red lines of both religions. This article, using an analytical-descriptive method, examines six models of rapprochement by Imam Musa al-Sadr: “1) A non-discriminatory view towards Muslims and Christians, 2) emphasizing unity as a fundamental principle, 3) creating conditions to reduce sectarianism, 4) establishing constructive relationships with Christians, 5) intelligence in discourse formation, and 6) facilitating dialogue and joint meetings.” The findings of this research indicate that his approaches can be used as an effective model for strengthening peaceful coexistence and promoting interfaith dialogue.

Keywords: Imam Musa al-Sadr [Mūsā al-Ṣadr], interfaith rapprochement [approximation], constructive dialogue, peaceful coexistence, Islam and Christianity

1. PhD Graduate in Philosophy of Religion and New Theological Issues, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: hojrehman@yahoo.com

الگوهای تقریب امام موسی صدر در ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان و مسیحیان

جواد وفائی مغانی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹]

چکیده

تقریب و همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسیحیان و مسلمانان، به عنوان یکی از دغدغه‌های تاریخی و دینی، همواره مورد تأکید آموزه‌های دینی و تلاش‌های عالمان مذهبی بوده است. امام موسی صدر، به عنوان یکی از چهره‌های برجسته در حوزه تقریب بین‌الادیانی، به ویژه در تعامل میان مسلمانان و مسیحیان، با تکیه بر مبانی عمیق اسلامی و چارچوب‌های دینی، الگویی موفق در این زمینه ارائه کرده است. از دیدگاه وی، تقریب ادیان نه تنها مستلزم تلاش‌های علمی و عملی گسترده است، بلکه باید بر پایه درک صحیح از مبانی دینی و احترام به خطوط قرمز هر دودین استوار باشد. این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی، به بررسی شش الگوی تقریبی امام موسی صدر می‌پردازد: «نگاه غیر تبعیض‌آمیز به مسلمانان و مسیحیان، تأکید بر وحدت به عنوان اصل بنیادین، بسترسازی برای کاهش نظام فرقه‌ای، ایجاد ارتباط سازنده با مسیحیان، هوشمندی در گفتمان‌سازی، و تسهیل گفتگو و نشست‌های مشترک». یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رویکردهای او می‌تواند به عنوان الگوی کارآمدی برای تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز و ترویج گفتگوی بین‌الادیانی به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: امام موسی صدر، تقریب ادیان، گفتگوی سازنده، همزیستی مسالمت‌آمیز، اسلام و مسیحیت

۱. دانش‌آموخته دکتری فلسفه دین و مسائل جدید کلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

در جهان معاصر، با توجه به آنکه تنش‌های مذهبی و فرقه‌ای به یکی از چالش‌های اصلی جوامع بشری بدل شده‌اند، ضرورت «گفتگوی بین‌الادیانی» و «همزیستی مسالمت‌آمیز» بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. با این وجود، بسیاری از تلاش‌ها در این زمینه، صرفاً در سطح نظری باقی مانده و به نتایج عملی و پایدار منتهی نشده‌اند؛ بنابراین، ضرورت بررسی الگوهای موفق و کارآمد که توانسته‌اند نظریه را به عمل منتقل کنند، دوچندان می‌شود.

در این چارچوب، تجربه امام موسی صدر در لبنان طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، به عنوان یک مطالعه موردی موفق و شاخص، اهمیتی ویژه پیدا می‌کند. لبنان، با ساختار پیچیده‌ای متشکل از ۱۶ فرقه مذهبی و سابقه طولانی درگیری‌های داخلی و خارجی، محیطی بسیار چالش‌برانگیز برای تحقق هم‌گرایی فراهم می‌آورد. موفقیت امام صدر در چنین شرایطی، این پرسش را مطرح می‌سازد که وی چگونه توانست در یکی از متکثرترین و بحرانی‌ترین جوامع خاورمیانه، پایه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز را بنا نهد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش این است که: امام موسی صدر از چه الگوهای عملی و نظری برای ایجاد و نهادینه‌سازی همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و مسیحیان در بستر متکثر و بحرانی لبنان بهره گرفت؟ ذیل این سؤال اصلی، پرسش‌های فرعی زیر نیز مطرح می‌شوند:

این الگوها بر چه مبانی فکری و دینی استوار بودند؟

عناصر کلیدی تشکیل‌دهنده این الگوها کدام‌اند که منجر به موفقیت عملی آن‌ها شدند؟ این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر مجموعه آثار، سخنرانی‌ها و اسناد مرتبط با حیات امام موسی صدر، به استخراج و تبیین شش الگوی محوری در رویکرد تقریبی وی می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق نه تنها ابعاد نظری و عملی اندیشه امام صدر را روشن

می‌سازد، بلکه می‌تواند چارچوبی کارآمد برای فعالان حوزه گفتگوی ادیان در زمینه‌های مشابه امروزی ارائه دهد.

پیشینه تحقیق

حیات فکری و اجتماعی امام موسی صدر، به‌ویژه در بستر پیچیده لبنان، موضوع مطالعات متعددی بوده است. بررسی این آثار نشان می‌دهد که پژوهش‌ها عمدتاً در سه حوزه قابل طبقه‌بندی‌اند:

نخست، حوزه مبانی نظری و معرفت‌شناختی که به واکاوی زیربناهای کلامی و فلسفی اندیشه وی پرداخته و ریشه‌های رویکرد تقریبی او را در مباحث هستی‌شناسی، دین‌شناسی و انسان‌شناسی جستجو کرده است، مانند مقاله «تبیین و تحلیل مبانی معرفتی امام موسی صدر در تقریب مسلمانان و مسیحیان» (وفائی مغانی و شمالی، ۱۳۹۲). این دسته از مطالعات هرچند بنیادی‌اند؛ اما بیشتر در سطح اصول نظری باقی مانده‌اند.

دوم، حوزه کنشگری سیاسی و اجتماعی که امام صدر را به مثابه رهبر دینی و مصلح اجتماعی بررسی کرده و نقش او در تأسیس نهادهایی چون مجلس اعلای شیعیان و جنبش محرومان و نیز جایگاهش در تقویت وحدت اسلامی را تحلیل کرده است. مقاله «امام موسی صدر و دغدغه هم‌گرایی جهان اسلامی» (بطحایی، ۱۳۹۰) که نگاه کلان‌وی به وحدت اسلامی را بررسی می‌کند، در این دسته جای می‌گیرد. این پژوهش‌ها نیز عمدتاً بر پیامدهای سیاسی و اجتماعی اقدامات او متمرکزند.

سوم، حوزه مطالعات جامعه‌شناختی و تحلیل گفتمان که با رهیافت‌های میان‌رشته‌ای به ابعاد عملی اندیشه صدر پرداخته است. مقاله «الگوی تبلیغی امام موسی صدر در تعامل با شیعیان لبنان» (فرخی و دیده‌خانی، ۱۳۹۷) نشان می‌دهد که وی تبلیغ دینی را در

مقام یک مصلح اجتماعی به کار می‌گرفت و از شیوه‌هایی چون تسامح، خدمت‌رسانی و الگوسازی بهره می‌برد.

با وجود این غنا، مرور پیشینه نشان می‌دهد که در زمینه گونه‌شناسی الگوهای عملی امام موسی صدر برای تحقق همزیستی، خلأئی جدی وجود دارد؛ چراکه بیشتر مطالعات یا بر چرایی (مبانی نظری) تمرکز داشته‌اند یا بر پیامدها (آثار سیاسی-اجتماعی)، و کمتر به چگونگی (روش‌ها و الگوهای اجرایی) پرداخته‌اند. پژوهش حاضر بر آن است تا این شکاف را با استخراج و تبیین الگوهای عملی تقریب در اندیشه صدر پر کند.

مروری بر فضای لبنان

برای فهم روش تقریبی امام موسی صدر در تقریب مسلمانان و مسیحیان، شناخت محیط زندگی او اهمیت بنیادین دارد؛ زیرا زمان و مکان در اجتهاد و شکل‌گیری نگرش‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کنند و برخی روش‌ها را به بستر خاصی محدود می‌سازند. شرایط لبنان پیش از حضور امام صدر، به‌روشنی گویای دشواری‌ها و در عین حال موفقیت‌های او در این مسیر است.

امام صدر در توصیف اوضاع آن دوره، لبنان را کشوری با شانزده مذهب متفاوت معرفی می‌کند. در میان مسیحیان، مارونی‌ها - که به دست راهب مسیحی شرقی «مار مارون» در حلب و مناطق هرمل بنیان‌گذاری شدند - بزرگ‌ترین و نیرومندترین فرقه به شمار می‌آیند و تاریخی طولانی و پرحادثه دارند. در کنار آنان، دروزیان به عنوان یکی از شاخه‌های سه‌گانه اسلامی، از عصر فاطمیان تا کنون به صورت یک جماعت قبیله‌ای در لبنان حضور داشته‌اند. دیگر فرقه‌های مسیحی این کشور شامل کاتولیک‌ها، ارتدوکس‌ها، پروتستان‌ها، لاتین‌ها و... هستند. در میان مسلمانان لبنان، شیعیان با جمعیتی نزدیک

به یک میلیون نفر عمدتاً در جنوب و نواحی شرقی ساکن‌اند؛ در حالی که سنی‌ها بیشتر در مناطق ساحلی طرابلس، صیدا و بیروت حضور دارند (حجتی کرمانی، ۱۳۸۸: ص ۵۹-۶۰).

در این پژوهش بر آنیم تا به روش تقریبی امام موسی صدر دست یابیم؛ روشی که بخش عمده‌ای از آن در بستر حضور او در لبنان شکل گرفت و توانست، ضمن پاسداشت خطوط قرمز هر دو دین، زمینه تقریب مسلمانان و مسیحیان را فراهم آورد. برای درک این روش، توجه به مبانی معرفتی امام صدر در سه حوزه هستی‌شناسی، دین‌شناسی و انسان‌شناسی ضروری است؛ مبانی‌ای که در منظومه فکری او به هم‌گرایی همه هستی، نگرش متعالی به حقیقت دین، و توجه ویژه به کرامت انسان می‌انجامد. افزون بر این، ویژگی‌های شخصیتی امام صدر -مانند سعه صدر، شیوه تعامل با مخالفان، نوع برخورد با روحانیون و جامعه مسیحی، شناخت دقیق از جهان خارج و آگاهی از ادیان- در اجرای موفق این الگوی تقریبی نقشی تعیین‌کننده داشته است.

با این حال، هدف این پژوهش پرداختن تفصیلی به مبانی معرفتی یا ویژگی‌های شخصیتی امام صدر نیست، بلکه تمرکز ما بر استنباط و تبیین روش تقریبی اوست. بر این اساس، در ادامه شش روش برگرفته از سیره و گفتار امام صدر مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

نگاه غیر تبعیض‌آمیز به مسلمانان و مسیحیان

یکی از روش‌های امام موسی صدر در تقریب مسلمانان و مسیحیان، نگاه برابر به پیروان هر دو دین الهی بود. او در تبیین حقوق شهروندی، تنها به دفاع از مسلمانان بسنده نمی‌کرد، بلکه حقوق مسیحیان را نیز به رسمیت می‌شناخت و بر رعایت آن تأکید داشت. همان‌گونه که درصدد رفع اختلافات میان گروه‌های مسلمان برمی‌آمد، در

صورت بروز نزاع میان طوایف مسیحی نیز برای برقراری صلح و هم‌گرایی می‌کوشید. این رویکرد نشان‌دهنده نگرش یکسان او نسبت به پیروان ادیان الهی بود. نمونه‌ای بارز از این رویکرد در سال ۱۹۷۴ رخ داد؛ زمانی که نزاعی شدید میان دو طایفه مسیحی مارونی - بیت خضراء و آل حبشی - در منطقه هرمل به وقوع پیوست. تلاش روحانیون برجسته مسیحی برای مهار این بحران ناکام ماند؛ اما امام صدر با سفر به دیراحمر و دیدار با هر دو ایل، توانست با ایجاد صلح، تشکیل هیئتی مشترک و پیوند دادن روابط قبیله‌ای، دشمنی‌ها را به خویشاوندی تبدیل کند (محمودیان، ۱۳۸۲). این نگاه فراگیر امام موسی صدر تا بدان جا پیش رفت که برخی روحانیون مسیحی نسبت به رفتار او اعتراض کردند و حتی کسانی که وی را صرفاً رهبر شیعیان می‌دانستند، او را به جانبداری از مسیحیان مؤاخذه کردند (محمودیان، ۱۳۸۲).

امام موسی صدر همواره می‌کوشید نگاه برابر به مسلمانان و مسیحیان را در میان لبنانی‌ها نهادینه سازد. او در سخنرانی‌های خود در شهرک‌های عرسال و بعلبک، محرومیت را «درد مشترک» مسلمانان و مسیحیان معرفی کرد و تصریح نمود که رنج‌های عرسال و یونین همانند رنج‌های دیرالاحمر مارونی است (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۵، ص ۵۶). در دیدار با مسیحیان دیرالاحمر نیز بالحنی صریح اعلام کرد: «ای محرومان مسیحی لبنان! ما آماده‌ایم جان فشانی برای شما هستیم؛ همان‌گونه که آماده‌ایم برای زدودن محرومیت از مسلمانان جان خود را فدا کنیم» (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۵، ص ۹۸).

این نگاه محدود به جغرافیای لبنان نبود، بلکه امام صدر در سفرهای خارجی نیز بر آن پای می‌فشرد. نمونه‌ای روشن از این رویکرد در سفر وی به سیرالئون رخ داد. هنگامی که رئیس‌جمهور مسیحی این کشور از او پرسید آیا با مسلمانان دیدار کرده است، امام پاسخ داد که هدفش ارتباط با هر دو گروه، مسلمانان و مسیحیان، است؛ زیرا همگان به خدای

یگانه ایمان دارند. این سخن رئیس‌جمهور را چنان تحت تأثیر قرار داد که روز بعد در نماز جمعه مسلمانان حضور یافت و همراه آنان نماز گزارد. او حتی از امام صدر خواست تا هر سال به سیرالئون سفر کند و آموزه‌های اسلامی را بیان نماید و پیشنهاد داد هواپیمای اختصاصی خود را در اختیار او قرار دهد (صدر، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۴۴۵).

یکی از پیامدهای نگاه برابر امام موسی صدر، تفاوت نگذاشتن میان گرایش‌های دینی محرومان بود. از منظر او، محروم چه مسلمان باشد و چه مسیحی، تفاوتی ندارد؛ زیرا تمامی مطالبات در یک واژه خلاصه می‌شود: «عدالت» برای همه شهروندان (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۴، ص ۲۴۶). او صریحاً اعلام می‌کرد:

کسانی که به مسائل محرومان توجهی ندارند، حتی اگر پدر و مادرشان شیعه باشند یا از خویشان و هم‌روستاییان ما باشند، میان ما و آنان نسبتی وجود ندارد. مسیحیان محروم، مسلمانان محروم و همه انسان‌های محروم در مرکز توجه ما قرار دارند و تلاش برای رفع محرومیت آنان هدف ماست (صدر، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۳۷۷).

این رویکرد چنان برجسته بود که شیخ حسن خالد، مفتی اهل سنت لبنان، درباره‌ او گفت: «مفهومی به نام خواسته‌های شخصی امام صدر وجود ندارد؛ آنچه او مطرح می‌کند، خواسته‌های ملی و عمومی است» (صدر، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۳۶۷).

۱-۱. حرکات مشترک امام موسی صدر

امام موسی صدر در پرتو همین نگاه برابر، اقدامات عملی گسترده‌ای را سامان داد که در آن‌ها هیچ‌گونه انحصاری برای شیعیان یا مسلمانان قائل نشد، بلکه دامنه آن همه شهروندان، از جمله مسیحیان، را در بر می‌گرفت. در ادامه، تنها به بخشی از این حرکت‌های مشترک اشاره می‌شود:

۱-۱-۱. جنبش محرومان

یکی از مهم‌ترین اقدامات امام موسی صدر، تأسیس جنبش محرومان بود که با هدف رفع محرومیت از تمامی لبنان و با تأکید بر حمایت مشترک مسلمانان و مسیحیان صورت گرفت (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۴، ص ۳۳۱).

۱-۱-۲. تأسیس مجلس جنوب

امام موسی صدر به دلیل بی‌توجهی دولت به هجوم اسرائیل، تظاهرات عمومی را درخواست کرد و لبنان به ندای او لبیک گفت. اعتصاب او در سال ۱۹۷۰ منجر به تشکیل مجلس جنوب شد که با همکاری رهبران اسلامی و مسیحی برای رفع تبعیض و دفاع از لبنان تلاش می‌کرد (حجتی کرمانی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۷).

۱-۱-۳. جمعیت احسان و نیکوکاری

آیت‌الله صدر جمعیت احسان و نیکوکاری را تأسیس کرد که بدون توجه به مذهب، به فقرای شیعه و سنی و مسیحی کمک می‌کرد. این جمعیت خدمات عمومی مانند درمان فقر و بیماری و اقامه شعائر را انجام می‌داد و اعتماد عمومی را جلب کرده بود (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۱، ص ۸۶). امام موسی صدر می‌گوید:

در روزهای آخر اقامتم، شخصیت مسیحی به نام رُفْلِه مَنَّسَی دو ششم از کارخانه یخ‌سازی خود را وقف جمعیت کرد و دو پزشک مسیحی نیز به صورت رایگان بیماران جمعیت را درمان کردند. روش ما در حل این مشکلات اجتماعی، توجه جوانان و طبقات روشنفکر را به دین و تعالیم اسلامی جلب کرد (صدر، ۱۳۹۱: ص ۶۳-۶۴).

۱-۲. حمایت خاص از مسیحیان

در سیره امام موسی صدر، موارد بسیاری از حمایت خاص او از مسیحیان مشاهده می‌شود. او حتی حق یک مسیحی را از یک فرد شیعه می‌گرفت تا عدالت را برقرار کند، بدون توجه به دین و مذهب آن‌ها. امام صدر معتقد بود که ظلم نباید صورت گیرد، حتی اگر از سوی یک مسلمان باشد. در ادامه، به برخی از این موارد اشاره خواهیم کرد:

۱. داستان معروف حمایت امام موسی صدر از بستنی فروش مسیحی، نمونه‌ای برجسته و روشن‌گر در تبیین الگوی تقریبی وی است. عمو آنتیبای مسیحی که صاحب یک مغازه بستنی فروشی در شهر صور بود، می‌گوید: مغازه بستنی فروشی داشتم. یک برادر شیعه با من رقابت می‌کرد و نتوانست حریف من شود؛ لذا قضیه را مذهبی کرد. گفتم دست بردار، اما گوش نداد. پیش سید موسی رفتم و گفتم که این شخص دعوای مذهبی راه انداخته و من نمی‌توانم کار کنم. سید گفت: مشکلی نیست و برو سر کارت. امام موسی خودش آمد و پیش من بستنی خورد و مردم دیدند که سید پیش من بستنی می‌خورد و قضیه حل شد (محمودیان، ۱۳۸۲).

۲. خانم هیام عطوی می‌گوید به یاد دارم در یکی از روستاهای مسیحی نشین اطراف شهر بعلبک لبنان، ۱۲ نفر از روستا نشینان بر اثر بارش شدید برف، زیر آوار سقف خانه خود مدفون شده بودند. امام موسی صدر به محض اطلاع از حادثه به آنجا شتافت و برای رسیدن به روستا، سه کیلومتر در برف پیاده روی کرد. وقتی امام رسید، محاسن وی به شکل قندیل درآمده و عبوی یخ زده بود. چشمان مردم روستا که به امام می‌افتد، بی اختیار فریاد می‌کشند که این خود حضرت مسیح است که برای نجات ما به اینجا آمده است (کمالیان، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۵۱۴).

۳. حمایت تاریخی امام موسی صدر از مسیحیان روستای دیرالاحمر در سال ۱۹۷۵، نمونه‌ای دیگر از حمایت وی از مسیحیان است. در روز پنجم اعتصاب، امام صدر متوجه

فتنه‌ای در بقاع شد که شیعیان قصد تعرض به روستاهای مسیحی دیرالاحمر و القاع را داشتند. امام با اعلام پایان اعتصاب غذا و سفر به بقاع، اعلام کرد: «هر گلوله‌ای که به سوی دیرالاحمر یا قاع شلیک شود، خانه من و قلب من و فرزندان مرا نشانه گرفته است». علی‌رغم ضعف شدید، امام به بقاع سفر کرد و با استقبال بی نظیر اهالی مسیحی مواجه شد. با تدبیر امام، غائله پایان یافت (طباطبایی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۱۰۹-۱۱۳).

۴. در جریان بحران نوزده ماهه و خونین لبنان، هرچند مشکلات جنوب، مهاجرت گسترده مردم آن به بیروت و نارضایتی عمومی از بی توجهی به این منطقه، از عوامل مهم شعله‌ور شدن بحران بود؛ اما جنوب لبنان نسبتاً آرام ماند. علت این آرامش آن بود که شیعیان به رهبری امام موسی صدر با ایستادگی و رفتار مسئولانه، مانع تعدی به مسیحیان شدند و اجازه ندادند فتنه به این منطقه سرایت کند. در جنوب خرابکاران تلاش می‌کردند مسیحی‌کشی را رواج دهند؛ اما امام موسی صدر تلاش فراوانی برای حفظ و سلامتی آن‌ها کرد (حجتی کرمانی، ۱۳۸۸: ص ۱۳۴-۱۳۸).

۵. شیخ احمد الزین، قاضی اهل تسنن شهر صیدا می‌گوید:

فرااموش نمی‌کنم کمک‌هایی را که وی به فقرای مسیحی منطقه مرجعیون کرد. این مردم وابسته به مذهب روم ارتدوکس و پیرو مطران پولس الخوری بودند. آقای صدر در میان این مسیحیان فقیر، مقدار زیادی لباس و مواد غذایی تقسیم کرد و همین عمل را در سایر مناطق لبنان نیز بارها تکرار کرد (خسروشاهی، ۱۳۸۷: ص ۷۲۰).

۶. پولس سلامه نویسنده و شاعر بزرگ مسیحی و صاحب کتاب ملحمة الغدیر، نامه‌ای به امام موسی صدر می‌نویسد و از وی برای چاپ کتابشان درخواست یاری می‌کند و سپس کتاب وی چاپ می‌گردد (کمالیان، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۴۱۵).

۲. تأکید همواره بر وحدت

ازجمله روش‌های امام موسی صدر در باب تقریب مسیحیان و مسلمانان می‌توان به تأکید وی بر وحدت اشاره کرد. وی تفرقه را جدی‌ترین خطر برای هر کشوری می‌داند و بر این باور است که هیچ ملتی تا زمانی که مردمانش در کنار یکدیگر باشند، وحدت کلمه داشته و به مسئولیت‌های خویش آگاه باشند، از میان نخواهد رفت و هیچ تهدید خارجی قادر به شکست آن نیست؛ از این رو، از نگاه وی خطر اصلی، خطر درونی و تفرقه است. البته وی این خطر را نتیجه تحقیر و بی‌احترامی به یکدیگر و گروه‌گروه کردن مردم می‌داند (صدر، ۱۳۹۱: ص ۳۶۵).

زمانی که شایعه شد وی قصد ایجاد ارتش شیعی دارد، امام گفت: من از ایجاد ارتش شیعی به همان اندازه بیزارم که از ایجاد ارتش مارونی، سنی یا دروزی. من معتقد به وحدت لبنان و ارتش آن هستم (حجتی کرمانی، ۱۳۸۸: ص ۲۴۳-۲۴۴). در بحبوحه جنگ‌های داخلی لبنان، او در بعلبک خطاب به مردم می‌گوید: «اگر در بیروت پسر مرا بکشند، اجازه نخواهم داد که در بعلبک یک مسیحی بی‌گناه کشته شود؛ زیرا این دو هیچ ارتباطی با هم ندارند و هر دو به دست دشمنان این ملت به خاک و خون کشیده می‌شوند» (چمران، بی‌تا: ص ۱۸۲).

در سال ۱۹۷۵، نزاعی میان یک فدایی مسلمان و عده‌ای مسیحی رخ داد که منجر به کشته شدن فرد مسلمان شد. این حادثه جرقه‌ای برای درگیری بزرگ‌تری میان مسلمانان و مسیحیان در شهرهای دیگر شد و در طول ۱۰ روز، بیش از ۲۰۰ نفر که بیشترشان شیعه بودند، کشته شدند. امام موسی صدر، تنها کسی بود که وجهه مردمی داشت و می‌توانست مردم را به آرامش دعوت کند. او به درخواست رشید کرامی و یاسر عرفات، به تلویزیون رفت و با خواندن آیاتی از انجیل و قرآن، مردم را به صلح و آرامش دعوت کرد. سخنان او تأثیر عمیقی بر ملت گذاشت و مردم تصمیم به پایان جنگ گرفتند (چمران، بی‌تا: ص ۱۹۴-۱۹۵). وی در جایی دیگر بر ضرورت وحدت چنین تأکید می‌کند:

برادران عزیز، هیچ چیز به قدر پراکندگی صفوف نمی‌تواند انسان و قدرت او را تضعیف کند. آیا نمی‌شنوید که نخست‌وزیر تروریست اسرائیل می‌گوید: اسلحه‌اسرائیلی در جنوب لبنان از مسیحیان حمایت می‌کند؟ ماه‌ها سال با مسیحیان هماهنگ بودیم و همکاری می‌کردیم. اسرائیل سعی می‌کند روابط ما را به هم بزند. اگر عده‌ای حافظه‌کافی ندارند؛ ولی هستند کسانی که به خاطر می‌آورند. اسرائیل ابتدا بین مسلمانان و مسیحیان تفرقه انداخت و سپس به سراغ مسیحیان رفت، اموالشان را توقیف و خودشان را بیرون کرد. من خودم دو یا سه بار از پاتریارک خریش شنیدم (صدر، ۱۳۸۴: ص ۱۲۲).

اگرچه تأکید بر وحدت از اهمیت زیادی برخوردار است؛ اما روش تبیین و گسترش آن و نحوه بیان برای تأثیر بیشتر بر مخاطب نیز بسیار مهم است. در ادامه، به شیوه تبلیغ و اشاعه گفتمان وحدت در کلام و سیره امام موسی صدر می‌پردازیم که البته هر کدام می‌توانند روش تقریبی مجزایی به شمار آیند:

۱-۲. نشان دادن در یک خط بودن مسیحیت و اسلام

امام موسی صدر در راستای وحدت میان اسلام و مسیحیت، اهداف عیسی و پیامبر اسلام ﷺ را هم‌راستا می‌داند و کوشیده است مسیحیان و مسلمانان را در کنار یکدیگر و در یک خط فکری قرار دهد. برای نمونه، در جشن معراج پیامبر ﷺ، این مناسبت را پیوند میان زمین و آسمان، محمد و مسیح، ایمان و علم دانسته و می‌افزاید: «وقتی قدس را اشغال کردند، کوشیدند کمر اسلام را بشکنند و واقعیت دین مسیح را نابود کنند. زندگی بدون قدس، مرگ و خواری است. اگر انسان مسلمان یا مسیحی، از قدس دست بردارد، از دین خود دست برداشته است» (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۴، ص ۳۰۶).

در سال ۱۹۷۴م به مناسبت نخستین سالگرد جنگ تشرین میان اعراب و اسرائیل، امام موسی صدر در کاخ یونسکوی بیروت سخنرانی کرد و گفت:

این جنگ آغاز راه بود و ما را به یاد جنگ بدر انداخت که قرآن آن را «روز جدایی» (حق از باطل) نامیده است. با افزایش عملیات در سرزمین اشغالی، اسرائیل آرامش خود را از دست داد و نبرد وارد مسجدها و کلیساها شد. علمای دین وارد میدان شدند و کشیشی که رسالت محبت بر دوش داشت، با خشم سلاح به دست گرفت و بر اسرائیل غاصب شورید. صلیب، نماد به صلیب کشیده شدن مسیح است و کسانی که او را به صلیب کشیدند، اجداد صهیونیسم معاصرند. ایستادن حقیقی در کنار مسیح، به معنای تبدیل صلیب به سلاحی است که از قاتلان انسان و ستمگران انتقام می‌گیرد (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۴، ص ۳۴۳-۳۴۴).

بدین ترتیب، امام با ترسیم جبهه‌ای واحد برای مسلمانان و مسیحیان، زمینه‌گرایش و تقریب آن‌ها به یکدیگر را فراهم می‌کرد.

۲-۲. نشان دادن دشمن مشترک و لزوم ایستادگی

یکی از روش‌های امام موسی صدر در ایجاد وحدت میان مسیحیان و مسلمانان، آگاه‌سازی آنان نسبت به دشمن مشترک است. او همواره از خطر صهیونیست‌ها برای مسلمانان و مسیحیان سخن می‌گوید و این خطر را دارای ریشه‌ای تاریخی می‌داند. امام معتقد است که مسیحیان و مسلمانان هرگز از فریبکاری‌ها و توطئه‌های صهیونیست‌ها در امان نبوده‌اند و تاریخ گواه ستم‌های آنان به حضرت مسیح و تحریف پیامبر اسلام ﷺ است. او تأکید می‌کند که خطر آنان هم‌اکنون نیز مسلمانان و مسیحیان را تهدید می‌کند و تفاوتی میان این دو گروه قائل نیستند (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۴، ص ۳۴۳-۳۴۴).

در پی جنایات صهیونیست‌ها در به‌آتش کشیدن مسجد الاقصی و انتشار اخباری درباره قصد اسرائیل برای تخریب مسجد و بنای هیکل سلیمان به جای آن، امام موسی صدر پیامی خطاب به مسلمانان و مسیحیان صادر می‌کند. در بخشی از این پیام آمده است:

ای مسلمانان، ای مسیحیان جهان، ای انسان در هر گوشه، این گونه است که اسرائیل چهره خویش را آشکار می‌کند و نقش ویرانگر خود را در خاورمیانه نشان می‌دهد. پس از آنکه قدس را با فساد و تجاوزگری آلود، مسجدالاقصی را به آتش کشیده است؛ اما کلیسای قیامت منتظر ایفای نقش خود است و فرزندانش را تشویق می‌کند که مصیبت به آتش کشیدن مسجدالاقصی سرنوشت ما مسلمانان و مسیحیان را روشن کرد و اثبات کرد که برنامه صهیونیسم به هیچ کس رحم نمی‌کند (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۲، ص ۴۸).

۳-۲. جلوگیری از اختلافات میان مسلمانان و مسیحیان

آیت الله صدر برای نهادینه کردن وحدت مسیحی و اسلامی، از هرگونه اختلافات دینی جلوگیری می‌کند. او در لبنان بارها از چالش‌های بزرگی جلوگیری کرده است؛ به عنوان نمونه، دکتر صادق طباطبایی نقل می‌کند که روزی در طرابلس یک جوان فلسطینی یک دختر مسیحی را به قتل رساند. مسیحیان فالانژ تقریباً ۵۰ یا ۶۰ فلسطینی را گروگان گرفتند. امام از نمایندگان مسیحیان خواست گروگان‌ها را آزاد کنند و گفت این جوان، پناهنده به مجلس شیعان است. گروگان‌ها آزاد شدند و امام موسی صدر در مراسم خاکسپاری آن دختر سخنرانی کرد و با ذکر داستان‌هایی از سیره حضرت مسیح غائله را خواباند. پدر مقتول به وی می‌گوید: «سیدی، مادر این دختر و من، خون این دختر جوان را به تو می‌بخشیم» (طباطبایی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۱۱۸-۱۲۰).

زمانی که شرایط برای نزاعی تمام عیار فراهم می‌شود، امام موسی صدر با اقدامی به موقع، مسیحیان و مسلمانان را به وحدت عملی فرا می‌خواند تا جلوی اقدامات منفی بعدی گرفته شود. آگوست باخوس، شهردار وقت جدید، نقل می‌کند که در یک زمان، کلیسای مارمارون در بوشریه سرقت و به آتش کشیده شد و بر تخته سیاه مدرسه کلیسا عبارت «لا

اله الا الله» نوشته شده بود. این حادثه فضای مسمومی علیه شیعیان و مسلمانان ایجاد کرد. امام موسی صدر با من تماس گرفت و خواست در سد بوشریه به دیدارش بروم. امام موسی صدر در حضور جمعیت شیعیان گفت:

امروز پول جمع می‌کنیم و هرچه جمع شود، برای ساختن این مسجد و کلیسای مارمارون نصف می‌کنیم. این کار هوشمندانه‌ا، مرهمی بر زخم مسیحیان بود و به سرعت آرامش را به منطقه بازگرداند. چند وقت بعد معلوم شد که این کار توسط یک مسیحی انجام شده بود که قصد فتنه‌انگیزی داشت (زائری، ۱۳۸۷).

۲-۴. تأکید بر میهن‌دوستی

آیت‌الله صدر به منظور دستیابی به وحدت میان مسلمانان و مسیحیان و از بین بردن اختلافات، به ترویج میهن‌دوستی نیز می‌پردازد. وی وطن‌دوستی حقیقی را وسیله بقا برای هر کشوری می‌داند (صدر، ۱۳۹۱: ص ۴۰۳) و همواره به مسیحیان و مسلمانان توصیه می‌کرد تا روح وطن‌پرستی در میان‌شان زنده بماند. از نظر وی زمانی که پای مسائل مرتبط با سرنوشت وطن به میان می‌آید، وظیفه اقتضا می‌کند که راهب هم از صومعه‌اش بیرون بیاید و عالم دینی هم باید وظیفه خود را ترک کند تا وارد میدان دفاع از وطن شود (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۲، ص ۲۹۵). تأکید امام موسی صدر بر ایجاد حس میهن‌دوستی به اندازه‌ای است که وی در جمله‌ای بسیار مهم می‌گوید: «اگر قرار باشد لباس روحانیت من مانع از فعالیت چریکی برای دفاع از میهن باشد، فوراً آن را کنار خواهم گذاشت» (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۵، ص ۱۴۳).

بنابراین، یکی از اصلی‌ترین روش‌های امام موسی صدر در تقریب و نزدیکی میان مسیحیان و مسلمانان، تأکید پررنگ ایشان بر وحدت است. این تأکید در ابعاد مختلفی نمایان می‌شود؛ از جمله: نمایاندن اسلام و مسیحیت در یک خط فکری، لزوم ایستادگی

در برابر دشمن مشترک، پیشگیری از اختلاف میان مسلمانان و مسیحیان، و همچنین تأکید بر میهن دوستی.

۳. بسترسازی به منظور از میان بردن نظام فرقه‌ای

یکی دیگر از روش‌های تقریبی امام موسی صدر برای نزدیک سازی مسلمانان و مسیحیان، از بین بردن نظام فرقه‌ای لبنان است. در کشوری که ۱۶ فرقه و احزاب مختلف سیاسی وجود دارد، امام موسی صدر تلاش می‌کرد تا ضمن حفظ تعدد فریق، نظام فرقه‌ای را از پایه خراب کرده و نظامی جدید بنا کند که بر تقریب میان مسیحیان و مسلمانان و اتحاد ملی استوار باشد. در ادامه، به نگرش‌های آیت الله صدر در خصوص فرقه‌گرایی و اقدامات وی برای از بین بردن این نظام فرقه‌ای اشاره می‌کنیم.

۳-۱. نعمت تعدّد فریق و نعمت فرقه‌گرایی

نگرش امام موسی صدر به تعدّد فریق، رویکردی دقیق و قابل تأمل است. به قسمتی از کلام وی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

هر کس می‌گوید فلان فرقه حقیر است و تجربه و اندیشه‌ای ندارد، نادان است. وجود فریق مختلف، مانند وجود سرچشمه‌های مختلف در جامعه است که تجارب و تمدن‌های متفاوت دارند و روابط را تقویت می‌کنند. نباید از وجود فریق مختلف هراسی داشت؛ زیرا دین آن را به رسمیت شناخته است و خداوند تعمداً مذاهب مختلف را آفریده است (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۲، ص ۳۶۱).

وی پس از اشاره به آیه «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (مائده: ۴۸) چنین نتیجه‌گیری می‌کند که خداوند می‌خواهد تا تفاوت راه‌ها و شریعت‌ها، راهی برای انگیزه و مسابقه در کارهای خیر باشد. امکان ندارد که خدا راه و دینش را ابزاری برای تفرقه میان مردم

کند، بلکه تفاوت‌ها باید ابزاری برای واداشتن انسان‌ها به تولید و سازندگی باشد. این مفهوم دینی از تنوعِ فِرَق است (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۲، ص ۳۶۱). دانسته شد که نگرش امام موسی صدر به فِرَق، وحدت بخش است و نه تفرقه‌انگیز. از نظر وی تعدد فرقه‌ها برای لبنان مایه خیر و برکت بوده و بلکه برجسته‌ترین امتیاز لبنان همین امر است؛ با این حال وی معتقد است که نظام فرقه‌ای در تأمین عدالت اجتماعی ناتوان است (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۳، ص ۱۲۳). اساساً در سیره امام موسی صدر دو چیز کاملاً از هم تفکیک شده است: «تعدد فِرَق و فرقه‌گرایی». وی وجود فرقه‌ها و مذاهب متعدد در لبنان خیر و برکت مطلق می‌داند؛ اما نظام فرقه‌ای در حکومت را شر مطلق می‌شمارد (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۳، ص ۷۰). بنابراین، وی اختلاف نظر را به دیده نعمت می‌نگرد و اگرچه آن را در میان توده مردم ناپسند می‌شمارد؛ ولی در عرصه غیرعمومی و در میان علما آن را به دیده رحمت می‌بیند. وی معتقد است که اختلاف نظر، باعث غنای فکر و اندیشه و زمینه ساز پیشرفت و تحول می‌شود (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۳، ص ۳۵۱).

۲-۳. اقدامات عملی برای بسترسازی

پس از آنکه نگرش امام موسی صدر درباره پسنندیده بودن تعدد فِرَق و ناپسندی فرقه‌گرایی روشن شد، نوبت آن است که به بسترسازی‌های ایشان برای رفع نظام فرقه‌ای اشاره کنیم؛ بسترسازی‌ای که نتیجه آن، تقریب میان مسلمانان و مسیحیان است. در ادامه به برخی از اقدامات عملی وی که در راستای این بسترسازی انجام شده است، اشاره خواهیم کرد:

۱-۲-۳. پیشنهاد تأسیس مجلس اعلای فِرَق لبنان

یکی از اقدامات امام موسی صدر برای از بین بردن نظام فرقه‌ای لبنان، پیشنهاد تأسیس مجلس اعلای فرق لبنان بود. هدف این مجلس، گردآوری فرقه‌ها و توجه به ارزش‌های معنوی ادیان

بود. امام موسی صدر بر این باور بود که نشست رهبران معنوی فرقه‌ها و تبادل نظر میان آن‌ها، نشان دهنده عدم تعارض و هماهنگی میان رهبران ادیان است (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۲، ص ۳۹). امام موسی صدر آرزو داشت که به منظور هم‌گرایی تمامی مؤمنان در لبنان، «مجلس اعلای طوایف لبنان» تأسیس شود؛ مجلسی که تمام ادیان و طوایف کشور را در برگیرد، به جز یهودیان لبنان که پیش از پیوستن به مجلس، باید نسبت به مسئله وجود اسرائیل و ادعای آن، که دولت اسرائیل نماد ایمان یهودی است، موضع‌گیری روشنی داشته باشند (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۵، ص ۳۳۴).

۳-۲-۲. تشکیل هیئت گفتگو

یکی دیگر از اقدامات امام موسی صدر برای از بین بردن نظام فرقه‌ای لبنان، تشکیل هیئت گفتگوی ملی بود. این هیئت در ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۵ م با حضور بیست شخصیت سیاسی لبنان به منظور تعیین اصول و مبانی رسیدن به راه حل نهایی و از بین بردن فرقه‌گرایی سیاسی در ساختار نظام لبنان تشکیل شد. چند روز بعد، به ابتکار امام موسی صدر، گردهمایی رهبران مذهبی فرقه‌های لبنان برگزار شد، از جمله مارانطونیوس خریش (اسقف اعظم مارونی‌ها)، ماکسیموس حکیم پنجم (پاتریارک روم کاتولیک)، آنطونیوس حایک (اسقف اعظم سریانی‌های کاتولیک)، خورین اول (اسقف اعظم ارمنی‌های ارتودکس)، بطانیان (اسقف اعظم ارمنی‌های کاتولیک)، اسقف جورج خضر، اسقف اتناسیوس افرام، اسقف رافائل بداوید و پدر مقدس عنرداری. نتیجه این گردهمایی، صدور بیانیه‌ای بود که بر محکومیت خشونت، همزیستی ادیان و حمایت از قضیه فلسطین تأکید داشت (صدر، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۶۸).

۳-۲-۳. پیشنهاد تأسیس مجلس ملی

در سال ۱۹۷۸ م و با توجه به درگیری‌های داخلی لبنان و دخالت آشکار اسرائیل، امام موسی صدر پیشنهاد تأسیس جبهه ملی لبنان را داد. او معتقد بود که این جبهه باید

با مشارکت رهبران مسیحی، به‌ویژه مارونی‌ها و تمامی نیروهای سیاسی لبنان تشکیل شود تا ثابت کند همه گروه‌های لبنان خواهان صلح و وحدت و روابط برادرانه با اعراب هستند و همکاری با اسرائیل را نمی‌پذیرند. این جبهه باید میان خواسته‌های مسیحیان و لبنان و اظهارات سران جبهه لبنانی تفاوت ایجاد کند و از حاکمیت قانونی دولت حمایت کند تا نهادهای حکومتی کارآمد در کشور شکل گیرد و بحران موجود رفع شود (صدر، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۴۴۹-۴۵۰).

۴. ارتباط با مسیحیان

یکی دیگر از روش‌های امام موسی صدر برای نزدیک کردن مسیحیان و مسلمانان به یکدیگر، ارتباط وسیع او با مسیحیان بود. اگرچه برخی از این روش انتقاد داشتند؛ اما امام صدر ارتباط با پیروان و بزرگان مذهبی مسیحیان را ضروری می‌دانست. زندگی او پراز ارتباطات حضوری و غیرحضوری با روحانیان و مردمان مسیحی بود. این ارتباطات تنها به ارتباط فیزیکی محدود نمی‌شد و مصادیق متنوعی داشت. در ادامه برخی از انواع این ارتباطات را بررسی خواهیم کرد:

۴-۱. حضور در کلیسا

یکی از اقدامات امام موسی صدر برای ایجاد ارتباط عمیق با مسیحیان، حضور مکرر او در کلیساها بود. او در طول حضورش در لبنان، بارها در کلیساهای مختلف سخنرانی کرد. برجسته‌ترین حضور او در کلیسای کبوشین در سال ۱۹۷۵م بود که به دعوت رسمی مسیحیان برای ایراد موعظه روزه (مراسم ویژه مسیحیان) برای کشیشان صورت پذیرفت. بعد از سخنرانی امام در کلیسای بزرگ طرابلس، یکی از بزرگان مارونی نزد او آمد و پس از بوسیدن دستش، گفت: «تو مانند سرورمان عیسی مسیح هستی».

ما به کسانی مانند تو نیاز داریم؛ مردانی روحانی که با لبنان باشند تا سخنانی را که واقعیت زندگی در کنار هم و همزیستی میان همهٔ دین‌ها را در لبنان می‌آموزد، زنده نگه دارند» (محمودیان، ۱۳۸۲).

۴-۲. شرکت در مراسم مسیحیان

امام موسی صدر برای ایجاد تقریب میان مسلمانان و مسیحیان، در مراسم مذهبی آنان شرکت می‌کرد، چه این مراسم به مناسبت شادی، مانند میلاد حضرت عیسی یا جشن عروج حضرت مریم باشد و چه به سبب غم و اندوه. او معتقد بود که مسیحیان باید او را در غم و شادی خود شریک بدانند. اگر کشیش مارونی در بیمارستان بستری می‌شد، آیت‌الله سید موسی صدر برای عیادت از او به بیمارستان می‌رفت (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۵، ص ۷۰). وی همچنین در مراسم درگذشت پاپ در شهر صور حضور یافت و سخنانی ایراد کرد که اگر کسی نداند وی یک مجتهد شیعی است، گمان می‌برد این بیانات از حنجرهٔ کشیشی متعبد به مسیحیت صادر شده است (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۱، ص ۷۶).

۴-۳. ارسال پیام به مناسبت‌های مذهبی مسیحیت

آیت‌الله صدر با ارسال پیام‌های تبریک به مناسبت‌های مذهبی مسیحیان، به ویژه زمانی که مناسبت‌های مسیحی و اسلامی هم‌زمان می‌شدند، تلاش می‌کرد تا تقریب میان مسلمانان و مسیحیان را تقویت کند. برای نمونه، در تقارن عاشورای حسینی علیه السلام با ایام میلاد حضرت مسیح، وی پیامی از طریق تلویزیون لبنان خطاب به مسیحیان و مسلمانان ارسال کرد و از این فرصت برای تأکید بر نزدیکی این دو دین و بهره‌گیری از آیات قرآن کریم استفاده نمود (صدر، ۱۳۸۴: ص ۲۲۸-۲۲۹). به اختصار، به دو نمونه از پیام‌های آیت‌الله صدر در مناسبت‌های مذهبی اشاره می‌کنیم:

وی به مناسبت عید پاک مسیحی، پیامی خطاب به مردم لبنان صادر کرد و در این پیام درباره حضرت مسیح و آمدن وی به زمین برای آزاد کردن انسان‌ها از حرص و نفاق و نجات رنج‌دیدگان از ظلم و طغیان سخن گفت. او در بخشی از پیام خود چنین بیان کرد: «مسیح برای مردم، زندگی می‌خواست اما مردم می‌خواستند او را بکشند». وی همچنین درباره مسیح و کیفیت شکنجه‌کردن و به صلیب کشیدن وی سخن می‌گوید و تأکید می‌کند که پیروز در این نزاع سرنوشت‌ساز، حقیقت است و جاودانگی از آن رسالت الهی است (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۱، ص ۱۶۸).

در زمان دیگری، وی به مناسبت هم‌زمانی عید قربان و عید میلاد حضرت مسیح پیامی صادر کرد که در آن بر معنای گرامی داشتن هر دو عید تأکید شده بود. امام صدر تولد حضرت مسیح را با مهرورزی، محبت، فداکاری و تعالی انسان پیوند داد و همچنین بر اهمیت نور و راستی، همدردی با دیگران و خدمت به انسان‌ها تأکید نمود (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۴، ص ۳۹۲-۳۹۴).

۴-۴. مقدمه زدن بر کتب مسیحیان

امام موسی صدر با برقراری ارتباط علمی با مسیحیان، از افرادی که به معارف اسلامی علاقه داشتند، حمایت می‌کرد و شاعران و نویسندگانی را که در این زمینه فعالیت می‌کردند، تجلیل می‌کرد. او برای این افراد در مجلس اعلای شیعیان بزرگداشت برگزار می‌کرد و گاهی مقدمه‌ای بر کتاب‌هایشان می‌نوشت. یکی از آن افراد مسیحی، سلیمان کتانی است، نویسنده و اندیشمند لبنانی که اثری مستقل درباره پیامبر اکرم ﷺ دارد و بیش از هر نویسنده و ادیب مسیحی دیگری درباره اسلام نوشته است. کتاب او با عنوان محمد، ساحل و ابر با مقدمه امام موسی صدر منتشر شد. او پس از آن، کتابی درباره فاطمه زهرا علیها السلام نگاشت و سپس کتاب خود درباره پیامبر صلی الله علیه و آله را منتشر کرد و این مسیر را تا نگارش کتابی

درباره امام کاظم علیه السلام ادامه داد؛ اما پس از نهمین کتاب، درگذشت و فرصت تألیف آثار دیگر را نیافت (زائری، ۱۳۸۹: ص ۷۸-۷۹).

سلیمان کتانی، پس از انتشار کتاب امام علی علیه السلام، کتابی درباره حضرت زهرا علیها السلام نگاشت و سپس کتاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را منتشر کرد که مقدمه آن را امام موسی صدر نوشته بود. امام موسی صدر در بخشی از مقدمه چنین نگاشته است: «ما همچنان در انتظاریم که قلمت را برداری و از چشمه بی پایان حقیقت بهره‌ها برگیری و به سرچشمه نزدیک‌تر شوی» (زائری، ۱۳۸۹: ص ۱۲۵).

۴-۵. تجلیل از بزرگان مسیحی

از دیگر مصادیق ارتباط امام موسی صدر با مسیحیان، تجلیل وی از بزرگان مسیحی است. به چند نمونه از این مصادیق اشاره می‌کنیم:

وی در مراسمی که به مناسبت نکوداشت شاعر مسیحی، پولس سلامه، برگزار می‌شود، شرکت می‌کند و در سخنانی فی‌البداهه خطاب به وی چنین می‌گوید:

دوست داشتم قلمی می‌داشتم که احساس قلبی‌ام را که سرشار از قدردانی و حق‌شناسی به شماست، بیان کند و آرزو داشتم که سخنانی را بگویم که گویای این احساسات و باورها باشد. با این حال اگر نتوانسته‌ام قلم‌تورا به عاریت بگیرم تا تو را و مقام ادبی‌ات را مدح کنم، درباره نقطه‌ای جالب از حیات درخشان تو سخن خواهم گفت.

سپس وی پس از نقل برخی از اشعار پولس سلامه، گریزی به معارف اسلامی زده و می‌گوید: «مسیحی حقیقی صاحبِ افقِ باز، همانا فردی است که قرآن و نهج‌البلاغه را مکمل دین خود می‌داند» (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۲، ص ۲۵۸-۲۵۹).

نمونه دیگر می‌توان به تجلیل وی از ادیب و شاعر مسیحی، جرج جرداق، به خاطر انتشار کتاب امام علی، صدای عدالت انسانی یاد کرد. امام موسی صدر به افتخار وی، در مقر

مجلس‌اعلای شیعیان مهمانی می‌گیرد و از او تجلیل می‌کند (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۳، ص ۹).
آیت‌الله صدر در مراسمی به یادبود شاعر و ادیب مسیحی، آنتوان قازان، سخنرانی کرد و در بخشی از بیانات خود خطاب به او چنین گفت:

تو که ابرمردی فروتن و آرام بودی، در برابر تمامی ارزش‌های دینی و تمامی از جان‌گذشتگی‌ها، به علی و حسین بسنده کردی، همان‌گونه که به مسیح و یارانش و به مساجد همان‌گونه که به کلیساها؛ و به عاشورا همان‌گونه که به میلاد. تو عاشق ارزش‌ها بودی، بدون آنکه به انتساب آن‌ها به خود یا طایفه خود پایبند باشی؛ و این در حالی بود که تو مسیحی پایبند بودی که هرگز نماز فروتنانه (و نه ریاکارانه) خود را ترک نکردی (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۴، ص ۲۷۱).

امام موسی صدر همواره درصدد بود تا از فرهیختگان مسیحی، به‌ویژه کسانی که روحیه‌ای تقریبی دارند، تجلیل کند. رشاد سلامه، فرزند حقوقدان، شاعر و نویسنده برجسته، جناب آقای پولس سلامه، نقل می‌کند که یک بار پس از حضور پدرش در صورت و هنگام بازگشت، امام صدر برای اظهار محبت به او گفتند: «می‌خواهم در ماشین شما بنشینم». وقتی به بیروت رسیدند، پدرم گفت: «تشریف بیاورید، قدری استراحت کنید و سپس به امور خود در بیروت برسید». امام صدر پاسخ دادند: «من در بیروت کاری ندارم، فقط آمدم شما را بدرقه کنم و به صورت بازگردم» (زائری، ۱۳۸۹: ص ۱۵).

۴-۶. حضور در روستاهای مسیحی نشین

امام موسی صدر علاوه بر ارتباط با فرهیختگان و کشیشان مسیحی، تلاش می‌کرد تا ارتباط خود با عامه مسیحیان را نیز حفظ کند. او به‌طور منظم از روستاهای مرزی بازدید می‌کرد، چه مسلمان نشین و چه مسیحی نشین. حسین حجازی، راننده امام موسی صدر، نقل می‌کند که امام گاهی تا فاصله ۵۰ متری نیروهای اسرائیلی می‌رسید. او به یاد دارد که یک بار به

روستای مسیحی نشین «عین ابل» رفتند. امام در کلیسای آن روستا برای مردم سخنرانی کرد و مسیحیان با شور خاصی به عباى او دست می‌کشیدند تا متبرک شوند (کمالیان، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۲۵۸-۲۵۹). ارتباط آیت‌الله صدر با مسیحیان به لبنان محدود نمی‌شد. او حتی در سفرهای خارجی نیز ارتباطش را با مسیحیان قطع نمی‌کرد؛ برای مثال، پس از بازگشت از سفر اروپا در سال ۱۹۷۰م اظهار داشت که با رهبران مذهبی کاتولیک و پروتستان دیدار کرده و دریافت که آنان قلبی گشوده و اندیشه‌هایی روشن دارند (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۲، ص ۴۷۵).

۵. هوشمندی در سخن گفتن

یکی از روش‌های امام موسی صدر برای تقریب میان مسلمانان و مسیحیان، نحوه سخن گفتن و انتخاب هوشمندانه کلمات بود. او از تلفیق معارف مسیحی و اسلامی بهره می‌گرفت و با ارائه مشترکات این دو دین، حس نزدیکی و تقریب را در مخاطبان ایجاد می‌کرد. امام صدر بر این باور بود که می‌توان از تجربه تاریخی صدر اسلام و استقبال نجاشی از مسلمانان و همچنین استفاده از معارف قرآن درباره حضرت مریم و عیسی برای ترویج تقریب استفاده کرد (کمالیان، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۵۳۰-۵۳۱).

آیت‌الله صدر همواره سعی می‌کرد میان مسلمانان و مسیحیان ارتباط برقرار کند و مناسبات مذهبی آن‌ها و حتی مرجعیت شیعه و پاپ را به هم نزدیک کند. او تلاش می‌کرد تا حلقه وصلی میان مسائل مرتبط با مسلمانان و مسیحیان ایجاد کند؛ به عنوان نمونه، در سخنرانی‌هایش، پس از تشریح مرجعیت شیعه، به مسیحیت پرداخته و از پاپ تعریف و تمجید می‌کرد و ارتباط میان سفر مرجعیت شیعه به بیت‌الله الحرام و سفر پاپ به سرزمین‌های مقدس را بیان می‌کرد (کمالیان، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۱۶-۱۱۷). اگر آیت‌الله صدر از سختی کشیدن مسیح سخن می‌گوید، بلافاصله آن را به پیامبر گرامی اسلام ﷺ متصل می‌سازد یا اگر از سیره پیامبر اکرم ﷺ سخن می‌گوید، پس از آن، به زندگانی مسیح اشاره می‌کند. زمانی که وی در میان

مسیحیان سخن می‌گویند التفات دارد تا معارفی را بگوید که مشترک میان اسلام و مسیحیت است تا نه مخاطب مسیحی‌اش رنجیده شود و نه هم‌کیشانش متعجب شوند.

مطران جورج خضر، کشیش و استاد دانشگاه قدیس یوحنا بل‌مند لبنان می‌گوید:

زمانی بود که در میان جمعی که اغلب مسیحی بودند، سخن می‌گفت ایشان. «انسان» را خطاب قرار داده بود و به یاد ندارم که در آن سخنرانی به آیه‌ایی از قرآن استناد کرده باشد. چنین روشی را در میان هیچ‌یک از علمای مسلمان نه شنیده و نه خوانده بودم. با خود گفتم، در حضور پیشوایی ایستاده‌ام که قادر است اندیشه‌های انسانی را مبنای گفتگو قرار دهد، تنها به مسجد محدود نگردد و از آن فراتر رود (فرخیان، ۱۳۸۵: ص ۱۷۷).

دقت در سخنرانی امام موسی صدر در کلیسای کبوشین نیز هوشمندی و تدبیر سخن او را تأیید می‌کند. در مطلع سخنان، تنها از انبیایی نام می‌برد که میان مسیحیت و اسلام مشترک‌اند و می‌گوید: «خدایا، تو را سپاس می‌گوییم؛ پروردگارا، ای خدای ابراهیم و اسماعیل، خدای موسی و عیسی، خدای مستضعفان و همه آفریدگان». وی در بخشی دیگر، از یکی بودن ادیان سخن می‌گوید و اینکه هر کدام، ظهور دیگری را بشارت می‌داده است و یکدیگر را تصدیق می‌کرده‌اند و در ادامه به یکی بودن اهداف ادیان اشاره می‌کند، که آن چیزی جز دعوت به سوی خدا و خدمت به انسان نیست (صدر، ۱۳۸۴: ص ۱۳). وی از یکی بودن نقطه آغاز ادیان، یکسان بودن هدف ادیان و همچنین یکی بودن بستر تحولات آن‌ها می‌گوید. تفتن به این جملات، روشن می‌کند که وی در کلیسا و در جمع مسیحیان از شیوه بیانی مؤثری بهره می‌برد که می‌توانست تقریب با مسلمانان را برای مخاطب به امری منطقی و ضروری بدل سازد.

آیت‌الله صدر در بخش دیگری از سخنانشان به کلامی از حضرت عیسی اشاره می‌کنند که «هرگز! هرگز محبت خدا با دوست نداشتن انسان جمع نمی‌شود» و در ادامه می‌گوید: «صدای عیسی در جان‌ها می‌پیچد و ندایی دیگر از پیامبر رحمت اوج می‌گیرد» و سپس

به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که مضمونش همان سخن عیسی است، اشاره می‌کند: «هرگز به خدا و روز واپسین ایمان نیاورده است، کسی که سیر به بستر خواب رود؛ اما همسایه‌اش گرسنه باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۲، ص ۳۶۲). در ادامه، امام موسی صدر این دو سخن را به سخن پاپ گره می‌زند و می‌گوید: «هر دو صدا در بستر زمان، هم‌آوا بوده‌اند تا آنکه پژواک آن‌ها بر زبان پاپ بزرگ، ظاهر می‌شود که به مناسبت روزه می‌گوید: مسیح و انسان فقیر، شخصی واحدند». در ادامه، وی سؤالی مطرح می‌کند و می‌گوید: «آیا این ندای پاک، با آنچه درباره مقصود اصلی، یعنی خدا، در متون معتبر اسلامی آمده است، تفاوت دارد؟» (صدر، ۱۳۸۴: ص ۱۶)

۶. بسترسازی برای گفتگو و نشست‌های مشترک

امام موسی صدر معتقد بود که برای تقریب میان مسیحیان و مسلمانان، نیاز به فهم متقابل از طریق گفتگو و تعامل است. او همواره تلاش می‌کرد تا مسیحیان و مسلمانان را به گفتگو با یکدیگر ترغیب کند. امام صدر باور داشت که راه همبستگی از گفتگو و تفاهم می‌گذرد (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۲، ص ۱۳۲) و نتایج عملی این فهم متقابل، شامل بازشدن درهای کلیسا به روی رهبر شیعیان لبنان و حضور روحانیون مسیحی در مساجد مسلمانان بود. شرکت در کنفرانس‌های اسلام و مسیحیت نیز یکی دیگر از مواردی است که در بسترسازی تعامل با مسیحیان از سوی امام موسی صدر صورت گرفته است. امام موسی صدر در بهار ۱۳۴۴ ش، نخستین دور سلسله گفتگوهای اسلام و مسیحیت را با حضور بزرگان این دو دین الهی، در مؤسسه فرهنگی «الندوه اللبنانیه» به راه انداخت (لکزایی، ۱۳۸۴: ص ۱۸۹).

در سال ۱۹۶۵ م، امام موسی صدر به عنوان یکی از سخنرانان در سلسله سخنرانی‌های «مسیحیت و اسلام در لبنان» شرکت کرد. در سال ۱۹۶۹ م، او برای برگزاری کنفرانسی مشترک با حضور تمامی فرقه‌های مذهبی لبنان در واکنش به آتش سوزی مسجد الاقصی، با

رهبران مذهبی تماس گرفت. مقامات مذهبی مسیحی نیز از این کنفرانس استقبال کردند و برای همکاری در حفظ اماکن مقدس اعلام آمادگی کردند (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۲، ص ۴۸). از موارد دیگر می‌توان به شرکت امام موسی صدر در کنگره بررسی تفاهم و تعاون انسانی اشاره کرد که در تاریخ ۱۹۷۲/۷/۱۲ در لبنان و زیر نظر شورای جهانی کلیساها برگزار شد؛ کنگره‌ای که ۱۳ مسلمان و ۲۵ مسیحی از سراسر جهان در آن حضور داشتند. امام موسی صدر و صبحی صالح به نمایندگی از لبنان دعوت شدند و برهمزیستی و همکاری دوطرفه تأکید کردند (طاهری، ۱۳۸۷: ص ۲۲۷-۲۲۸؛ عجبک، ۱۹۹۸: ص ۲۵۵).

از دیگر مصادیق، می‌توان به جلسه مناظره پنج جانبه‌ای اشاره کرد که به ریاست امام موسی صدر برگزار شد؛ مناظره‌ای که علاوه بر وی، پدر یواکیم مبارک، کشیش جورج خضر، پدر دوبره لاتور، دکتر یوسف ایبش و خانم خالده السعید نیز در آن حضور داشتند. این جلسه با موضوع «مسیحیت و اسلام» به همت بنیاد هم‌اندیشی لبنان در تاریخ ۱۹۷۳/۰۱/۱۰ برگزار گردید (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۳، ص ۲۰۴).

در سال ۱۹۷۵ نیز امام موسی صدر به همراه پاتریارک حکیم، مطران نیکولاس الحاج و شیخ عبدالامیر قبلان به بکرکی می‌رود تا با پاتریارک مارانطونیوس پطرس خریش دیدار کند. دیداری که به ایده برگزاری نشست رهبران روحانی منجر می‌شود و مورد استقبال قرار می‌گیرد. در آن دیدار تأکید می‌شود که از پرداختن به مسائل ملی موجود براساس نگاه اسلامی و مسیحی باید پرهیز شود و همه مشکلات باید با نگاه ملی و به دور از مظاهر طایفه‌ای حل و فصل گردد (ضاهر، ۲۰۰۰: ج ۵، ص ۱۰۳).

از دیگر مصادیق بسترسازی به منظور تقریب می‌توان به دعوت امام موسی صدر از مسیحیان برای مشارکت در جنبش امل اشاره کرد. وی در آن جلسه بیان می‌کند:

راه ورود و مشارکت در مقاومت به روی هیچ یک از هم‌وطنان ارجمند مسیحی بسته نیست و اطمینان داریم که هر یک از آنان که قدم در این مسیر گذارند، همچون دیگر

اعضای مقاومت با صلابت و پایداری، بلکه استوارتر از آنان، در دفاع از خاک میهن می‌کوشند (صدر، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۶۱).

نتیجه‌گیری

این پژوهش درصدد پاسخ به پرسش اصلی بود: امام موسی صدر از چه الگوهای عملی برای ایجاد همزیستی مسالمت آمیز میان مسلمانان و مسیحیان در بستر بحران لبنان بهره گرفت؟

یافته‌ها نشان داد که رویکرد وی صرفاً مجموعه‌ای از اقدامات پراکنده نبود، بلکه یک مدل منسجم و یکپارچه متشکل از شش الگوی مکمل یکدیگر بود: ۱. نگاه غیر تبعیض آمیز مبتنی بر شهروندی؛ ۲. تأکید راهبردی بر وحدت؛ ۳. تلاش برای از میان بردن فرقه‌گرایی سیاسی؛ ۴. ارتباط فعال و چندوجهی با مسیحیان؛ ۵. هوشمندی گفتمانی در برجسته‌سازی مشترکات؛ ۶. نهادسازی برای گفتگوی مستمر.

اهمیت این الگوها در آن است که تقریب ادیان را از سطح یک بحث کلامی-نظری به سطح یک پروژه اجتماعی عمل‌گرا منتقل می‌کنند؛ پروژه‌ای که بر «عدالت برای محرومان» (فارغ از دین) و «امنیت ملی» (در برابر دشمن مشترک) استوار بود. این مدل نشان می‌دهد که همزیستی پایدار، بیش از آنکه نیازمند توافق بر سر جزئیات الهیاتی باشد، در گروی تعریف منافع مشترک انسانی و شهروندی است.

این تحقیق نشان داد که اقدامات امام صدر، ضمن دستیابی به تقریب، به ارتقای جایگاه اجتماعی و سیاسی شیعیان لبنان نیز کمک شایانی نمود. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود تأثیر بلندمدت این الگوها بر ساختار اجتماعی لبنان پس از ربوده شدن ایشان، مورد ارزیابی قرار گیرد و همچنین مدل تقریبی وی با دیگر رهبران مذهبی در مناطق بحرانی جهان به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گیرد.

منابع

بطحایی، سیدعلی (۱۳۹۰)، «امام موسی صدر و دغدغه هم‌گرایی جهان اسلام»، هفت آسمان، ش ۵۱، ص ۱۱۹-۱۳۲.

چمران، مصطفی (بی‌تا)، لبنان، تهران: بنیاد شهید چمران.

حجتی کرمانی، علی (۱۳۸۸)، لبنان به روایت امام موسی صدر و شهید چمران، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۸۷)، یادنامه امام موسی صدر، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

زائری، محمدرضا (۱۳۸۷)، الگوی زندگی با دیگران، سایت تابناک.

<https://www.tabnak.ir/fa/news/17340/>

زائری، محمدرضا (۱۳۸۹)، پدر، پسر، روح القدس، تهران: انتشارات خیمه.

صدر، موسی (۱۳۸۴)، ادیان در خدمت انسان، مترجم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، موسی (۱۳۸۹)، سیره و سرگذشت امام موسی صدر، مترجم: مهدی سرحدی، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، موسی (۱۳۹۱)، نای و نی، مترجم: علی حجتی کرمانی، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

ضاهر، یعقوب حسن (۲۰۰۰)، مسيرة الإمام السيد موسی الصدر، بیروت: دار بلال.

طاهری آکردی، محمدحسین (۱۳۸۷)، پیشینه تاریخی گفتگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

طباطبایی، صادق (۱۳۸۷)، خاطرات سیاسی-اجتماعی دکتر صادق طباطبایی، تهران: نشر عروج.
عجک، بسام داود (۱۹۹۸)، الحوار الإسلامي المسيحي (المبادي، التاريخ، الموضوعات، الأهداف)، دمشق: دارقتيبه.

فرخی، میثم؛ دیده‌خانی، نرگس (۱۳۹۷)، «الگوی تبلیغی امام موسی صدر در تعامل با شیعیان لبنان»، اسلام و مطالعات اجتماعی، ش ۲۲، ص ۵۸-۸۴.

فرخیان، مهدی (۱۳۸۵)، اندیشه ربوده‌شده، گفتارهایی درباره امام موسی صدر، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

کمالیان، محسن؛ رنجبر کرمانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، عزت شیعه (دفتر اول و دوم)، کرمان: نشر مؤلف. لکزایی، شریف (۱۳۸۴)، «فکر سیاسی امام موسی صدر»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۹، ص ۱۸۵-۲۰۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

محمودیان، محمدحسین (۱۳۸۲)، مجموعه پانزده قسمتی امام موسی صدر [مستند تلویزیونی]، تهران: روایت فتح.

وفائی مغانی، جواد؛ شمالی، محمدعلی (۱۳۹۲)، «تبیین و تحلیل مبانی معرفتی امام موسی صدر در تقریب مسلمانان و مسیحیان»، معرفت ادیان، ش ۱۷، ص ۱۱۱-۱۲۸.

Ajak, B. D. (1998). [*Al-Hiwar al-Islami al-Masihi (al-Mabadi, al-Tarikh, al-Mawdu'at, al-Ahdaf)* [The Islamic-Christian dialogue (Principles, History, Topics, Goals)]]. Damascus: Dar Qutayba. (in Arabic)

Bathae, S. A. (2011). [Imam Musa Sadr va daghdaghe-ye hamgerayi-e jahan-e Eslam [Imam Musa Sadr and the concern for convergence in the Islamic world]]. *Haft Aseman* [Seven Heavens], 13(51), 119-132. (in Persian)

Chamran, M. (n.d.). [*Lebanon*]. Tehran: Shahid Chamran Foundation. (in Persian)

Daher, Y. (2000). [*Masirat al-Imam al-Sayyid Musa al-Sadr* [The journey of Imam Sayyid Musa al-Sadr]] (Vols. 1-5). Beirut: Dar Bilal. (in Arabic)

Farrokhi, M., & Didekhani, N. (2018). [Olguye tablighi-ye Imam Musa Sadr dar ta'amol ba Shiayan-e Lobnan [The proselytizing model of Imam Musa Sadr in interaction with the Shiites of Lebanon]]. *Journal of Islam and Social Studies*, 6(2), 58-84. (in Persian)

Farrokhan, M. (2006). [*Andishe-ye roboudeh shodeh, goftarha-yi darbare-ye Imam Musa Sadr* [The abducted thought, discourses on Imam Musa Sadr]]. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. (in Persian)

- Hojjati Kermani, A. (2009). [*Lebanon as narrated by Imam Musa Sadr and Martyr Chamran*]. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. (in Persian)
- Kamalian, M., & Ranjbar Kermani, A. A. (2009). [*Ezzat-e Shi'a* [The honor of Shia]] (Vols. 1-2). Kerman: Author publication. (in Persian)
- Khosroshahi, H. (2008). [*Yadnameh-ye Imam Musa Sadr* [Memorial of Imam Musa Sadr]]. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. (in Persian)
- Lakzaee, S. (2005). [Fekr-e siyasi-ye Imam Musa Sadr [The political thought of Imam Musa Sadr]]. *Faslname-ye Olum-e Siyasi* [Journal of Political Science], (29), 185-200. (in Persian)
- Majlesi, M. B. (1404 AH). [*Bihar al-Anwar* [Seas of lights]] (Vol. 72). Beirut: Al-Wafa Institute. (in Arabic)
- Mahmoudian, M. H. (Producer). (2003). [*Majmue-ye panzdah qesmati-ye Imam Musa Sadr* [Imam Musa Sadr: The 15-part series]] [TV Documentary]. Tehran: Revayat-e Fath. (in Persian)
- Sadr, M. (2005). [*Adyan dar khedmat-e ensan* [Religions in the service of humanity]]. (Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute, Trans.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. (in Persian)
- Sadr, M. (2010). [*Sirah va sargozasht-e Imam Musa Sadr* [The life and biography of Imam Musa Sadr]] (Vols. 1-2). (M. Sarhadi, Trans.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. (in Persian)
- Sadr, M. (2012). [*Ney va ni* [The reed flute and the reed]]. (A. Hojjati Kermani, Trans.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. (in Persian)
- Tabataba'i, S. (2008). [*Khaterat-e siyasi-ejtemaei-ye Doctor Sadeq Tabatabai* [The political and social memoirs of Dr. Sadeq Tabatabai]] (Vol. 2). Tehran: Orouj Publications. (in Persian)
- Taheri Akordi, M. (2008). [*Pishine-ye tarikhi-ye goftogu-ye Eslam va Masihiyat* [The historical background of the dialogue between Islam and Christianity]]. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. (in Persian)
- Vafaei Moghani, J., & Shomali, M. A. (2014). [Tabiin va tahlil-e mabani-e ma'refati-e Imam Musa Sadr dar taqrib-e mosalmanan va masihiyan [An explanation and analysis of the epistemological foundations of Imam Musa Sadr in the rapprochement of Muslims and Christians]]. *Ma'refat-e Adyan* [Journal of Knowledge of Religions], 5(1), 111-128. (in Persian)

- Zaeri, M. (2008, November 29). [*Olguye zendege ba digaran* [A model for living with others]]. Tabnak. Retrieved from <https://www.tabnak.ir/fa/news/17340> (in Persian) (in Persian)
- Zaeri, M. (2010). [*Pedar; pesar; ruh ol-qodos* [Father, Son, Holy Spirit]]. Tehran: Kheymeh Publications. (in Persian)

References

- ‘Ajak, Bassam Dawood. 1998. *Islamic-Christian Dialogue (Principles, History, Topics, Goals)* [*Al-Hiwar al-Islāmī al-Masīhī (al-Mabādi, al-Tārīkh, al-Mawḍū‘āt, al-Ahdāf)*]. Damascus: Dar Qutaybah.
- Bat-haei, Seyyed Ali. 1390 Sh. “Imam Musa Sadr and the Concern for the Convergence of the Islamic World” [Imām Mūsā Ṣadr va daghdaghah-yi ham-garāyī-yi jahān-i Islām]. *Haft Aseman*, No. 51, pp. 119-132.
- Chamran, Mostafa. (n.d.). *Lebanon* [*Lubnān*]. Tehran: Bonyad-e Shahid Chamran.
- Dāhir, Ya‘qoub Hassan. (2000). *The Path of Imam Sayyed Musa al-Sadr* [*Masīrat al-Imām al-Sayyid Mūsā al-Ṣadr*]. Beirut: Dar Bilal.
- Farrokhi, Meysam; Didekhani, Narges. 1397 Sh. “Imam Musa Sadr’s Propagational Model in Interacting with the Lebanese Shi’a” [Ulgū-yi tabliḡhī-yi Imām Mūsā Ṣadr dar ta‘āmul bā Shī‘ayān-i Lubnān]. *Islam and Social Studies* [*Islām va Mu‘āli‘āt-i Ijtimā‘ī*], No. 22, pp. 58-84.
- Farrokhiyan, Mahdi. 1385 Sh. *The Abducted Thought: Discourses on Imam Musa Sadr* [*Andīshah-yi rubūdah-shudah: Guftār-hāyī darbārah-yi Imām Mūsā Ṣadr*]. Tehran: Mo’asseseh Farhangi Tahqiqati Imam Musa Sadr.
- Hojjati Kermani, Ali. 1388 Sh. *Lebanon as Narrated by Imam Musa Sadr and Shahid Chamran* [*Lubnān bih rivāyat-i Imām Mūsā Ṣadr va Shahīd Chamrān*]. Tehran: Mo’asseseh Farhangi Tahqiqati Imam Musa Sadr [Imam Musa Sadr Cultural-research Institute].
- Kamalian, Mohsen; Ranjbar Kermani, Ali-Akbar. 1388 Sh. *The Dignity of the Shi’a* (Volumes 1 & 2) [*Izzat-i Shī‘ah (Daftar-i avval va duvum)*]. Kerman: Mo’allef Publishers.
- Khosrowshahi, Seyyed Hadi. 1387 Sh. *Memorial Volume of Imam Musa Sadr* [*Yādnāmah-yi Imām Mūsā Ṣadr*]. Tehran: Moasseseh Farhangi Tahqiqati Imam Musa Sadr.

- Lakzaei, Sharif. 1384. "The Political Thought of Imam Musa Sadr" [Fikr-i sīyāsī-yi Imām Mūsā Ṣadr]. *Political Science Quarterly* [Faşlnāmah-yi 'Ulūm-i Sīyāsī], No. 29, pp. 185-200.
- Mahmoudian, Mohammad Hossein. 1382 Sh. *The Fifteen-Part Series on Imam Musa Sadr* [Majmū'ah-yi pānzdah qismatī Imām Mūsā Ṣadr] [TV Documentary]. Tehran: Rawāyat-e Fath.
- Majlesi, Mohammad Baqer. 1404 AH. *Biḥār al-Anwār*. Beirut: Mu'assasat al-Wafā.
- Sadr, Musa. 1384 Sh. *Religions in the Service of Humanity* [Adyān dar khidmat-i insān]. Translated by: Mo'asseseh Farhangi Tahqiqati Imam Musa Sadr. Tehran: Moasseseh Farhangi Tahqiqati Imam Musa Sadr.
- Sadr, Musa. 1389 Sh. *The Life and Biography of Imam Musa Sadr* [Sīrah va sargudhasht-i Imām Mūsā Ṣadr]. Translated by: Mahdi Sarhaddi. Tehran: Moasseseh Farhangi Tahqiqati Imam Musa Sadr.
- Sadr, Musa. 1391 Sh. *Reed and Flute* [Nāy va Ney]. Translated by: Ali Hojjati Kermani. Tehran: Mo'asseseh Farhangi Tahqiqati Imam Musa Sadr.
- Tabatabai, Sadeq. 1387 Sh. *Political-Social Memoirs of Dr. Sadeq Tabatabai* [Khāṭirāt-i sīyāsī-i ijtimā'ī Duktur Ṣādiq Ṭabāṭabā'ī]. Tehran: Nashr-e Orouj.
- Taheri Akordi, Mohammad Hossein. 1387 Sh. *The Historical Background of Islamic-Christian Dialogue with Emphasis on Shi'a and Catholic Perspectives* [Pīshīnah-yi tārikhī-yi guftugū-yi Islām va Masīhīyat bā tākīd bar dīdgāh-i Shī'ah va Kātulik]. Qom: Mo'asseseh Amouzeshe va Pazhuheshi Imam Khomeini [Imam Khomeini Educational-research Institute].
- Vafaei Moghani, Javad; Shomali, Mohammad Ali. 1392 Sh. "Explanation and Analysis of the Epistemological Foundations of Imam Musa Sadr in the Rapprochement of Muslims and Christians" [Tabayīn va taḥlīl-i mabānī-yi ma'rifatī-yi Imām Mūsā Ṣadr dar taqrīb-i Musalmānān va Masīhīyān]. *Ma'rifat-i Adyān*, No. 17, pp. 111-128.
- Za'eri, Mohammad Reza. 1387 Sh. *The Model of Living with Others* [Ulgū-yi زندagī bā dīgarān]. Tabnak Website. Retrieved from: <https://www.tabnak.ir/fa/news/17340/>
- Za'eri, Mohammad Reza. 1389 Sh. *Father, Son, Holy Spirit* [Pedar, Pīsar, Rūḥ al-Qudus]. Tehran: Kheimch Publications.